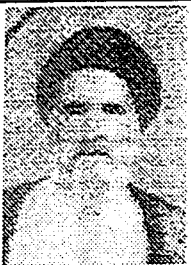


# عصر

ARSEH / January 2001 / no2

دیماه ۱۳۷۹ / شوال ۱۴۲۱ / شماره دوم / ۵۰۰ ریال



هدایتگری متواضع



آثار فردی و اجتماعی  
حفظ قرآن



معرفی طلاب ممتاز مدارس قم

بسیج و

دفاع از

حسین زمانه،

ضرورت

بازنگری



- هدایتگری متواضع (حکایت‌هایی از زندگانی و منش مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی (ره))
- آثار فردی و اجتماعی حفظ قرآن کریم در گفتگو با استاد حاج ابوالقاسمی حافظ ممتاز بین المللی
- آرایش سیاسی نیروها پس از انقلاب / ۴
- معرفت طلب ممتاز مدارس علمیه قم
- بسیج و دفاع از حسین زمانه، ضرورت بازنگری
- انجمن حجتیه
- درس اخلاق، عملی از زبان مهدی هاشمی (در ساعات قبل از اعدام)
- عرصه احزاب سیاسی / ۲

جمعیت مؤتلفه اسلامی

تاریخ تأسیس: ۱۳۴۲

دبیر کل فعلی: حبیب اله عسگر اولادی

مؤسسین: شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید رجایی، آقای هاشمی رفسنجانی، حاج مهدی عراقی نحوه تأسیس:

این جمعیت در ابتدا با ائتلاف برخی هیأت‌های مذهبی تهران در قالب «هیأت‌های مؤتلفه اسلامی» تشکیل شد و امام نیز شهیدان بهشتی و مطهری را به عنوان نماینده در این جمع تعیین کردند.

از اقدامات مهم این گروه می‌توان به ترور حسنعلی منصور نخست وزیر و عامل لایحه کاپیتولاسیون اشاره کرد که در پی این اقدام، ۴ تن از بزرگان این گروه به نام‌های شهیدان امانی، هرندی، نیک نژاد، بخارایی توسط رژیم اعدام شدند و بقیه به حبس‌های طولانی محکوم شدند.

وضعیت فعلی:

این گروه پس از انقلاب در پست‌های مهم حضور داشت (مجلس، دولت و قوه قضائیه و...) و از لحاظ دسته بندی سیاسی جزو تشکلهای اصلاح همسو با جامعه روحانیت مبارز تهران محسوب می‌شود. دو سال گذشته عضو برجسته این گروه یعنی شهید لاجوردی که تا اوایل سال ۷۷ ریاست سازمان زندانها را عینده دار بود توسط منافقین ترور شد. شهید لاجوردی از عوامل اصلی برخورد با منافقین در اوایل انقلاب بود.

بسیج و دفاع از حسین زمانه؛ ضرورت بازنگری

چندی پیش سائگر صدر فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی بسیج را گرامی داشتیم. اما راستی مأموریت بسیج پس از جنگ چه بوده و هست؟ آیا ما توانستیم به اهداف ترسیم شده و لایت برسیم؟ آینده بسیج چگونه است؟ و بی‌اسرار بسیج و بسیجی چه می‌خواهد؟ فرماندهان بسیج تا چه حد قادرند تا این کشتی عظیم و پرافتخار را به ساحل پیروزی هدایت کنند؟ اینها نمونه سؤالیایی است که برای کسانی که با بسیج آشنا هستند و یاد آن فعالیت کرده‌اند بارها و بارها مطرح شده است. طی ۱۲ سال پس از جنگ مأموریت بسیج در دو بعد نظامی و فرهنگی آن تنها بر برگزاری کلاسها و اردوهای ایام فراغت و رزمایش‌های سالانه متمرکز شده است. اما دستاورد انبوه امکاناتی که در اختیار بسیج قرار دارد بسیار ضعیف‌تر از حد مطلوب است. به جرأت می‌توان گفت که بسیج بزرگترین نهاد فرهنگی کشور از لحاظ نیروی انسانی است و این قشر عظیم مستعد با در دست داشتن امکانات مناسب باید تاکنون به هدف ترسیم شده امام یعنی حداقل ارتش ۲۰ میلیونی می‌رسید. اما چرا اکنون حتی به نصف این مقدار هم نرسیده‌ایم؟ شاید علت عمده، عدم توجه به بسیج به عنوان رکن مقابله با تهاجم فرهنگی و مرکز تأمین تربیت نیروی انسانی متعهد برای آینده از طرفی و برخورد‌های غیر اصولی و سیاسی با بسیج از طرفی دیگر است که سبب تضعیف بسیج شده است.

ما به بسیجی هرگز این امکان را ندادیم که استعداد‌های نهفته‌اش را بروز دهد و به قول معروف پتانسیل ذخیره شده‌اش را در جای مناسب تخلیه کند. حتی در جنبه نظامی و امنیتی با وجود فداکاریهای بسیج که در مراحل مختلف حیات انقلاب و نظام را تضمین کرده است بسیج دارای محدودیت است. باید از قشر متمایل و علاقه‌مند به کارهای نظامی در بسیج با هدایت و راهبری صحیح در جهت تأمین امنیت جامعه مند جست. از سری دیگر باید بسیجیان با تجهیز به سلاح فرهنگی و سیاسی روز بتوانند آگادانه در مراحل گوناگون و حساس ظاهر شوند؛ کوتاه و گویا آنکه فرماندهان بسیج با بازنگری در عملکرد خود و تصحیح اشتباهات گذشته بسیج را در دفاع از حسین زمانه یاری کنند.

پای درس اخلاق امام

● آورد و در میان مردم نفوذ شخصیتی پیدا کند که خود را می‌بازد و خود را کم می‌کند.

● ای انسان! دل سخت! تفکر کن، ببین مرض قلبی تو چیست که دل تو را از سنگ خارا سخت‌تر کرده و قرآن خدا را که برای نجات تو از عذابها و ظلمت‌ها آمده، نمی‌پذیری؟

● دل به دیگر موجودات بستن - هر موجودی باشد - از خدا غافل شدن است.

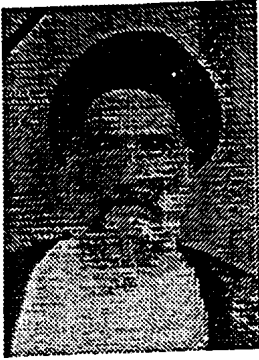
● دل‌بستگی به مخلوق و غفلت از حق - جل جلاله - از حجت غلیظه‌ای است که نور معرفت را خاموش و قلب را مکدر و ظلمانی کند و این از بزرگترین دامهای ابلیس شنی و مکاید بزرگ نفس است که انسان را از ساحت مقدس حق دور و از معارف حقه محجور می‌کند.

● باید دانست که اگر انسان از خود غفلت کند و در صدد اصلاح نفس و تزکیه آن بر نیاید و نفس را سر خود بار آورد هر روز، بلکه هر ساعت بر حسابهای آن افزوده شود و از پس هر حاجایی حاجایی، بلکه حُجُبی برای او پیدا شود تا آنجا که نور فطرت به کلی خاموش و مُظننی شود.

● آیا نیامده وقت آن که در صدد اصلاح نفس بر آییم و برای علاج امراض آن قدمی برداریم؟ سرمایه جوانی را به رایگان از دست دادیم و با غرور نفس و شیطان، جوانی را که باید با آن سعادت‌های در جهان را تهیه کنیم از کف نهادیم، اکنون نیز در صدد اصلاح بر نمی‌آییم تا سرمایه حیات هم از دست برود و با خسران نام و شقاوت کامل از این دنیا منتقل شویم.

● خدا کند انسان پیش از آنکه خود را بسازد جامعه به او روی

# هدایتگری متواضع



## حکایت‌هایی از زندگانی و منش مرحوم آیه الله حاج سید مهدی روحانی (ره)

• طلبه درسخوان نباید به انقلاب بی تفاوت باشد.

پدرم از شهادت علی آقا ناراحت بودند! نه اینکه فرزند دل‌بندشان به شهادت رسیده است بلکه به خاطر اینکه علی آقا طلبه فاضل و درس خوانی بود. شهادت ایشان بر روحیه پدرم بسیار اثر گذاشت. او می‌گفت: علی طلبه درسخوانی بود و ناراحتی من به همین خاطر است. بعضی درس می‌خوانند ولی نسبت به مسایل انقلاب بی تفاوتند.

(مصاحبه با مهندس سید محمد روحانی ۷۹/۹/۸)

• قفل بسته را باز کرد!

حجة الاسلام سید علی سیدی تعریف می‌کرد: حدود یک ماه قبل نزد ایشان بودم. جمعی از دوستان حاضر بودند. یکی از دوستان گفت: می‌گویند با گفتن برخی چیزها می‌توان قفل بسته را باز کرد. آیه اله روحانی فرمودند: «بله! من یک مطلب در مورد خودم دیدم که نمی‌خواهم بگویم که تعریف از خود بشود» دوستان اصرار کردند. ایشان گفتند: «منزل مرحوم آیه الله احمدی میانجی (ره) بودیم. گنج‌های که در آن وسایل پذیرایی بود کلیدش گم شده بود. هر چه کردند باز نشد. من به ایشان گفتم: معروف است اگر نام مادر موسی بن عمران (یوکابد) یا نام مادر سادات حضرت فاطمه زهرا(س) را بگوییم و بر قفل بسته بخوانیم باز می‌شود.» آیه الله روحانی ادامه دادند: «من دستم را بستم و در همان حال گفتم یا فاطمه بنت محمد(صلی الله علیه و آله) بعد دستم را باز کردم و قفل بسته سریع باز شد.»

(هفته نامه ۱۹ دی، ش ۷۱، ص ۳)

• داغ همسفر

حجة الاسلام تکیه‌ای رئیس شورای شهر قم نقل می‌کند: صبح روزی که آیت الله احمدی میانجی رحلت فرموده بودند با جمعی

از دوستان آمدم تا خبر واقعه را به ایشان بدهیم با توجه به بیماری قلبی ایشان، بسیار انتقال خبر مشکل بود. با لطایف‌الحیل به ایشان گفتیم که آیت الله احمدی بیمار شده‌اند. این دو بزرگوار تا آن اندازه به یکدیگر تعلق داشتند که هر روز همدیگر را می‌دیدند و یا تلفنی احوال هم را جویا می‌شدند. آیه الله روحانی دستانش را بلند کرد و ده مرتبه ختم «امن یجیب» گرفته و دو مرتبه برایشان دعا کردند بعد وقتی متوجه رحلت ایشان شدند بسیار متأثر شده و این آیه قرآن را خواندند: «رب لا تذرني فردا» خدایا مرا تنها مگذار! ایشان واقعاً نمی‌توانستند بعد از آیه الله احمدی تنها بمانند. (همان، ص ۳)

• آخرین نمازها

آقا مهدی علوی از نامادهای معظم له نقل می‌کرد: «یک روز پیش از رحلت، حالشان بسیار بد بود. همه خانواده رفتیم خدمت ایشان، نزدیک یک ساعت بود که می‌خواست صحبت کند اما لولا اکسیژن دهانش بود و مانع می‌شد پرستارها هم دست ایشان را بسته بودند به تخت. یکی از نزدیکان گفت: «با مسؤلیت من دستش را باز کنید» دست ایشان را که باز کردند سریع مشغول نماز شد و نزدیک یک ربع با آرامش کامل نماز خواند. همه متعجب شدیم از توجه ایشان به نماز.

همان

• یار کوچک فرزند فاطمه

آقای عبداللہی از نزدیکان ایشان نقل می‌کند: برای انتخابات خبرگان رهبری خدمت ایشان رسیدیم. دوستان از انگیزه ایشان برای حضور در خبرگان رهبری سؤال کردند. ایشان گفتند: «این محاسن را برای اسلام سفید کرده‌ام و آمده‌ام تا برای این سید(رهبر معظم انقلاب) یاری کوچک باشم و کمک کنم ایشان را

و اگر این محاسن سفید پیش مردم آبرو دارد این آبرو را خرج فرزندان فاطمه علیها السلام کنم.

آشنایی با زندگانی فقیه مجاهد حضرت آیه الله سید مهدی روحانی  
• تولد در سال ۱۳۰۳ شمسی در خانواده ای روحانی و عالم پرور از نسل عالمانی چون آیه الله روحانی بزرگ و آیه الله میرزا ابوالحسن روحانی و....

• استفاده از محضر اساتیدی چون آیات عظام ثانی، امام خمینی، محقق داماد، بروجردی، حجت، خوانساری، علامه طباطبائی و قم مباحثه هایی چون شهید بهشتی امام موسی صدر، آیه الله عسوی اردبیلی، آیه الله شبیری زنجانی، آیه الله احمدی میانجی

• همکاری با شهید بهشتی، شهید مطهری، امام موسی صدر و آیه الله مکارم شیرازی در روشنگری نسل جوان (سالهای دهه ۳۰)

• حضور در شکرگیری و تأسیس هسته مرکزی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

• رهبری مبارزات مردم قم علیه رژیم ستم شاهی و مبارزه با افکار التقاطی

• انتخاب مردم شهر مقدس قم در مجلس خیرگان قانون اساسی  
• حضور در مجلس خیرگان رهبری (دوره سوم) به عنوان نماینده قم

• تقدیم فرزند گرانقدر خود حجة الاسلام سید علی روحانی در جنگ تحمیلی

• تألیف آثار ارزنده و وزینی چون بحوث مع اهل السنة و السلفیه فرقة السلفیه و تطوراتها فی التاريخ، الوتر ثلاث رکعات، حاشیه بر تفسیر جوامع الجامع، تفسیر سوره های شریفه حمد و فجر، تاریخ فرق و مذاهب اسلامی، تقریرات درس فقه آیه الله محقق داماد و احادیث اهل البیت علیهم السلام عن طریق اهل السنة (با همکاری مرحوم آیه الله احمدی میانجی در سی مجلد) و دهها مقاله و اثر ارزنده دیگر.

• فعالیت سیاسی طلاب از دیدگاه آیه الله روحانی (ره)  
در این مسأله هم من یک نظر میانه ای دارم. در وضع فعلی

نمی شود و صحیح هم نیست که انسان از وضع دنیا و سیاست مملکت بی اطلاع باشد و از طرف دیگر، مسائلی که به فعالیت های درسی و تحصیلی طلبه صدمه وارد می کند باید کنار گذاشته شود و گمان می کنم که ناسازگاری بین این دو وضعیت را می شود به نوعی برطرف ساخت. بدین ترتیب که طلاب در ابتدای تحصیل ب جز منقاری که فی الجمله به منظور آشنایی با وضع سیاسی دنیا لازم است، مطلقاً از مسایل سیاسی و مسایل دیگری که به پیشرفت درسی آنان صدمه می زند دوری کنند و تنها به برنامه درسی خود برسند و پس از آن که بنیه علمی لازم و مطلوبی پیدا کردن و توانستند رأساً در مسایل و مطالب علمی کمکی کنند، می توانند داخل در مسایل سیاسی شده و در هر بعد و وسعتی که می خواهند مشغول مطالعه و فعالیت شوند. سفارش من به آن دسته طلاب که در مراحل ابتدایی تحصیل هستند و هنوز به سطح خارج نرسیده اند این است که چون بنیه قوی علمی ندارند حتی الامکان از مسایل سیاسی کناره گیری کنند.

• ضرورت اصلاح کتب درسی از دیدگاه آیه الله روحانی (ره)

یکی از کتاب های بسیار مهمی که باید تصحیح شود و همواره طلب با آن سر و کار دارند، شرح لمعه است که یک کتاب فقهی جامعی است. این کتاب یکی از کتاب های درسی حوزه است که طلبه باید آن را بخواند و می خواند اما اشکالی که در تدریس آن وجود دارد این است که از زمان شهید ثانی تا کنون شیوه های تحقیق و اجتهاد و پیرو آن مقدار مهمی از مسایل و فتاوا دستخوش تغییر و تحولات فاحش شده است و چه بسا فتاواي موجود در این کتاب با فتاوی فقهای عصر حاضر همخوان و مطابق نیست. بنابراین طلبه این کتاب را به عنوان یک کتاب قابل اتکا و مورد عمل نمی خواند. از این رو در حالی که شرح لمعه تدریس می شود اگر به صورتی اصلاح شود که با فتاواي مراجع روز مطابقت داشته باشد طلبه می تواند کتاب های مذکور را در عین حالی که به عنوان کتاب درسی می خواند همچون یک رساله عملی از آن بهره برداری کند.

(یادنامه آیه الله روحانی مکانون نویسندگان قمی حوزه علمیه، ص ۴۶)

**آیت الله سید مهدی روحانی فقیه و متکلمی سرآمد و از استوانه های علم و تقوا در حوزه علمیه قم بود.**

پیام مقام عظمای ولایت ۲۹/۹/۳

## انجمن حجتیه

چه بود؟ چه شد؟ چه می‌کند؟  
قست پایانی

انجمن حجتیه در ۲۲ بهمن ۵۷ با تمام نایابوری شاهد پیروزی خون بر شمشیر بود. لذا تمام پیش‌بینی‌های آنان در مورد انقلاب که همگی بوی یأس و ناامیدی می‌داد نقش بر آب شدند. آنان خون جوانان را هدر می‌دانستند و انقلاب را رو به پوچی و زوال، ولی اکنون با کمال نایابوری شاهد شکستن گلبای انقلاب بودند و آنان که معتقد بودند دین نباید در عرصه سیاست خودنمایی کند به وضوح شاهد بودند که تنها دین توانسته در مقابل همه چیز بایستد. مدتی از پیروزی انقلاب گذشته بود که متن اساسنامه انجمن تغییر کرد و با اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی حمایت دروغین خود را از حضرت امام اعلام داشتند. ولی آنچه توجه همه را جلب کرده بود بیانیه‌های دیروقت انجمن بود که هر گاه حادثه خطرناک و بغرنجی پیش می‌آمد مهر سکوت مرکب‌ار بر دهان انجمن می‌نشست و هر گاه نصرتی از سوی امت حزب الله کسب می‌شد مهر از دهان بر می‌داشتند. حرکات ضد انقلابی آنان در غالب سخنرانی‌های آتشین به ظاهر انقلابی آتش‌نفته را در شهرهای سبزوار، بوشهر، کرمانشاه و اصفهان بارها برافروخته بود و خطر نفوذ آنان در مراکز حساس نظام بیشتر شده بود. در این بین جامعه مدرسین شجاعانه به افشاگری علیه آنان پرداخت و سوابق آنان را بر ملا ساخت و مانع نفوذ بسیاری از عناصر انجمن در ارگانهای حساس نظام شد. روند طبیعی انقلاب چنین اقتضا می‌کرد که در همان آغاز تشکیل جمهوری اسلامی عناصر غیر انقلابی مجالی برای سخن پراکنی نداشته باشند. چنانچه همینطور هم شد و بساط بسیاری از احزاب و گروههای غیر انقلابی برچیده شد و لکن تشکیلات حجتیه به خاطر تظاهر به انقلابیگری و استفاده از احساسات دینی و نفاق زیرکانه خود توانست عمر بیشتری کند. ولی عاقبت نفس مسیحایی امام طومار عمر نفاق‌انگیز انجمن به اصطلاح حجتیه را در تاریخ ۶۲/۴/۲۱ در هم پیچید و خطاب امام این بود: «یک دسته دیگر عم‌ترشان این است که بگذاریم که معصبت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید محبت را بردارد؟ ما معصبت کنیم که او بیاید؟! این اغوجاجات را بردارید. این دسته بندیها را برای خاطر خدا و برای خاطر کشورتان، اگر ملی هستید، این دسته بندیها را بردارید. در این موجی که الان این ملت را به پیش می‌برد، در این موج خودتان را وارد کنید بر خلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.»

نام انجمن حجتیه سالهاست که از زبانها افتاد و خاطره آن از بسیاری اذهان پاک شده است و لکن پرونده تفکر این گروه همچنان بز است و به موجب فضای ایجاد شده برای بسیاری گروههای غیر قانونی و ورشکسته مدتی است که زمزمه‌هایی از این انجمن به گوش می‌رسد که قصد نفوذ در بین فشر متدین جامعه را دارند. حتی بنا بر شواهدی این گروه ورشکسته اقدام به راه اندازی سایتیهای کامپیوتری نموده و نظرات ضدولایتی و ضد انقلابی خود را اینگونه منعکس می‌کنند. ولی آنچه بدیهی است هوشیاری متدینین است که مانع از نفوذ افکاری از این دست خواهد شد و ثابت کرده‌اند که نه تنها این گروه بلکه هر گروه روحانی نمای دیگری که در تعارض با ولایت مطلقه فقیه باشد محکوم به انزوا، نیستی و زوال خواهد بود.

## غروب نفاق و طلوع

### خورشید انقلاب

آرایش سیاسی نیروها بعد از انقلاب ۴/  
علی اشرف فتحی

همانطور که گفته شد جریان نفاق که در پشت سپر بنی صدر (رئیس جمهر وقت) پنهان شده بود توانست ضربات مؤثری به بدنه انقلاب و نیروهای آن وارد کند. سال ۶۰، سال شهادت بسیاری از شخصیتهای برجسته و استوانه‌های اصلی انقلاب بود. هر سه قوه در این سال به شدیدترین وضع، ضربه خوردند. رؤسای دو قوه و وزرا و نمایندگان بسیاری از دست رفتند. چند تن از ائمه جمعه کشور در این سال به شهادت رسیدند.

از سوی دیگر نیز حملات وحشیانه منافقین به مردم و اماکن عمومی نفرت عمیقی از آنان ایجاد کرد. همه این عوامل سبب شد که هوشیاری ملی افزایش یابد و خط نفاق از ادامه خط وحشت و ترور مأیوس شود. پس از واقعه هشتم شهریور و انفجار دفتر نسخت وزیری، عملاً حزب اله در جامعه به حاکمیت مطلق رسید. بی شک رهبری قاطع و اصولی امام مهمترین عامل ثبات کشور در اوج بحران بود. مقام معظم رهبری که در این ایام دوران نقاهت بمب گذاری و مجروح شدن خویش را می‌گذراندت با اعلام تکلیف شرعی از سوی امام در انتخابات ریاست جمهوری شرکت و با رأی قاطع و قریب به اتفاق به عنوان سومین رئیس جمهور مردم انتخاب شدند. عارف فرزانه شهید آیه الله دستغیب (ره) در آستانه انتخابات با دعوت مردم به رأی به ایشان فرمودند: «من خدای متعال را به خاطر همت بزرگ وجود ایشان شکر می‌کنم». برکات انتخابات شایسته مردم در اندازه موفق و مقتدر جبهه‌های جنگ و تثبیت ثبات سیاسی داخلی به وضوح نشان داده شد و دولت جدید توانست عملکردها خاتمانه بنی صدر را جبران کند.

روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۵ مهر ۱۳۶۰، ش. ۶۷۰، ص ۱۲.

## آثار فردی و اجتماعی حفظ قرآن

معرفی

حجة الاسلام محمد حاج ابوالقاسمی نامی آشنا برای جامعه قرآنی کشورمان است. نفر اول مسابقات بین المللی حفظ قرآن در تیران (سال ۷۴) و نفر دوم مسابقات بین المللی حفظ در مصر (سال ۷۸) و عربستان (سال ۷۹). ۲۶ سال دارند و از سال ۶۷ وارد حوزة عالیہ قم شده و در طی سالهای ۷۰ تا ۷۴ موفق به حفظ کل قرآن کریم شده‌اند. از طلاب ممتاز مدرسه کرمانیها بوده و هم اکنون مشغول درس خارج فقه و اصول می‌باشند.

نحوه حفظ

ایشان زیر نظر استاد طباطبایی (پدر سید محمد حسین طباطبایی) حفظ را آغاز کرده‌اند. از ایشان در خصوص نحوه برنامه ریزی ایشان برای حفظ سؤال می‌کنیم: «سعی می‌کردیم به درسمان لظنه‌ای نخوریم. از و قتهای مرده استفاده می‌کردیم و هر روز تقریباً یک ساعت یا یک و نیم ساعت وقت صرف می‌کردیم. در آخر هفته هم روز جمعه خدمت استاد رسیده و آیات حفظ شده را تکرار می‌کردیم.»

نگهداری محفوظات

استاد حاج ابوالقاسمی «تکرار» را عامل مهم نگهداری محفوظات دانسته و می‌گوید: «روزی یک جزء از محفوظات را می‌توان تکرار کرد. خواندن یک جزء در

روز برای یک طلبه چیز زیادی نیست و از لزومات برای طلبه است. حال اگر این مقدار را در حال رفت و آمد و مسافرتی‌ها به صورت حفظ خواند وقت کمتری می‌گیرد» حجة الاسلام حاج ابوالقاسمی «نظم» را عامل مهم دیگری در مسیر حفظ می‌داند و تأکید می‌کند که باید برای یک هفته مقداری از آیات را در نظر گرفت و آن را در طول هفته تکرار کرد. «ما خودمان هفته‌ای سه صفحه حفظ می‌کردیم و توانستیم در طی ۴ سال قرآن را حفظ کنیم.»

استفاده از نوار تریبل

«با شنیدن صدای استید قرآن، تلاوت را زیبا می‌توان کرد و نقاط ضعف خود را در زمینه تجوید (آداء حروف) و حفظ می‌توان پیدا کرد.»

همچنین استاد، استفاده از یک قرآن ثابت و دارای رسم الخط یکسان را برای حفظ ضروری می‌داند.

عوامل فراموشی محفوظات

«احساس خستگی گاهی سبب رها کردن کار حفظ برای مدتی خواهد شد ولی اینگونه نیست که محفوظات به طور کامل فراموش شده و حافظه به صفر برسد. و لذا اگر کسی آیاتی را حفظ کرد و مدتی فاصله افتاد و آیات را مرور نکرد با کسی که به تازگی قصد حفظ دارد بسیار تفاوت دارد و می‌تواند با سرعت بالاتری آیات را آموزش شده را به یاد آورد. مثلاً روزی ۴ صفحه،

کمتر و یا بیشتر را برای خود تدارک کند.»

انس با قرآن، مهم تر است

استاد انس با قرآن را بسیار مهم‌تر می‌داند و به روایتی از امیر المؤمنین (ع) در وسایل الشیعه استناد می‌کنند: «و علیک بقراءة القرآن والعمل بما فيه. فهو واجب علی کل مسلم أن ينظر کل یوم فی عهده و لو خمسين آیه»

(بر تو باد به قرائت قرآن و عمل به آنچه در آن است. زیرا که بر هر مسلمانی در هر روز واجب است که به عبد الهی (قرآن) نظاره و تدبیر کند اگر چه ۵۰ آیه باشد)

راههای انس با قرآن

استاد از تلاوت، حفظ، ترجمه، شرکت در جلسات تفسیر و... به عنوان راههای انس با قرآن نام برده و در عین حال حفظ را یکی از بهترین راهها می‌داند. «چون حافظ قرآن در هر لحظه و شرایطی که اراده کند می‌تواند به محفوظات خود رجوع کند و می‌تواند در بسیاری آیات تفکر کند و بهره‌برداری معنوی خود را از این آیات ببرد.»

تأثیرات حفظ بر طلبه

استاد با اشاره به تأثیرات مثبت حفظ بر یادگیری علوم حوزوی تأکید می‌کند که: «اگر کسی در زمینه ادبیات عرب بخواهد کار کند اگر حافظ قرآن باشد موفق‌تر است چرا که حافظ بهترین و دقیق‌ترین ساختارهای ادبی موجود و متون ادبی

خواهند بود.

در زمینه تفسیر قرآن نیز حفظ سبب می‌شود که محور تمام کتب تفسیری را در سینه‌اش داشته باشد و این موجب انسجام و تحکیم مطالب تفسیری است و به طور کلی حفظ قرآن در هر زمینه تحصیلی مفید و سبب تقویت حافظ است.

□ حال و هوای حرم خدا

استاد به دلیل جاذبه بیت‌الله الحرام و نیض زیارت حرم الهی، مسابقات عربستان را در بین مسابقات کشورهای چون مصر، ایران، ترکیه، سودان و مالزی بهترین مسابقات می‌دانند. ولی از لحاظ استقبال مردمی و شرکت شهروندان در مسابقات، ایران را بهترین کشور می‌دانند.

«در عربستان اصلاً مردم اقبالی به شرکت در مسابقات ندارند. فقط در روز اختتامیه جمعی از مردم در مسابقات حاضر می‌شوند. ولی امکانات رفاهی عربستان بهتر است.»

□ باید انس با قرآن فراگیر شود

استاد اگر چه انس با قرآن را در ایران قابل تحسین می‌دانند ولی در عین حال کافی نمی‌بینند به فرموده مقام معظم رهبری استاد می‌کنند که «آنقدر باید مردم با قرآن مأنوس باشند که اگر شخصی از مؤولین مملکت نظری ارائه کرد، هر ایرانی بتواند تشخیص بدهد که این نظر با قرآن سازگار هست یا خیر؟»

حجة الاسلام ابوالقاسمی تأکید می‌کند که: باید آنتنر خطوط کلی اسلام با قرآن تبیین شود که در هنگام هجوم فتنه‌ها به قرآن پناه برد و راه حل نجات یافتن از فتنه‌ها و شبهات را مراجعه به قرآن می‌دانند.

□ تومیسه آقا،



«وقتی در سال ۷۴ برای معمم شدن به خدمت ایشان رسیدیم ایشان با اطلاع از اینکه من حافظ قرآن هستم با خوشحالی فرمودند که قدر این نعمت را بدانید که خدا نعمت خوبی به شما داده است و مرا دعا کردند.»

□ انس با قرآن و تأثیر بر زندگی انسان  
«هر کس با هر کسی یا چیزی مأنوس باشد سر انجام در زندگی‌اش مؤثر خواهد بود به قول شاعر که... کمال همنشین در من اثر کرد... اگر کسی با اشعار شعرائی چون حافظ، مولوی و فردوسی مأنوس شود به طور ناخودآگاه افکار و شخصیت او طبق خواسته و افکار ذهنی آن‌ها شکل می‌گیرد. و به طور یقین قطع اگر کسی با قرآن مأنوس شود تمام فضائلی که قرآن دارد این شخص در خود خواهد دید و هر چه انس بیشتر شود رشد فضائل هم بیشتر می‌شود. انس با قرآن قطعاً از انس با همه این کتابها بهتر و برتر است چون این کتابها را افرادی جامع ننوشته‌اند و تصویر مطلوب آنها هم تصویر جامعی نیست. اما قرآن به تمام جنبه‌های جهاد، حماسه، عبادت، عرفان و دستگیری از فقرا نظر دارد و انس با قرآن انسان را جامع و کامل و مطلوب خدا می‌کند.»

□ توسل به معصومین (ع) در مسابقات

«به دلیل اهمیت این مسابقات و به سبب آنکه در این مسابقات ملئس به لباس روحانیت بوندم احساس می‌کردم که نماینده حوزه و تشیع در مقابل اهل سنت هستم لذا از اهل بیت (ع) و خصوصاً امام زمان (ع) مدد می‌گرفتم. از طرفی همواره از پدر و مادرم طلب دعا می‌کردم.»

□ تأثیر حفظ بر حملات علیه تشیع

استاد با اشاره به اینکه در میان اهل سنت ترویج شده که شیعه با قرآن انس ندارد و قرآن مورد اعتقاد شیعه با قرآن مورد اعتقاد سایر فرق اسلامی تفاوت دارد و شیعه را به سبب عدم اعتقاد به کتاب خدا کافر می‌دانند به برکات حضور شیعه در مسابقات بین‌المللی اشاره کرده می‌گویند: «از برکت همین مسابقات و جلسات قرآن و حضور حفاظ و قراء ایرانی در مجالس اهل سنت است که تا پیش از این ائمه آنها شیعه را نجس و مهذبور الدم می‌شمردند، تصور و تلقی مسلمانان به شیعیان تغییر کرده است و دیگر کسی نیست که ادعا کند قرآن شیعه با سایر فرق متفاوت است و یا شیعه قائل به تحریف قرآن است. چون حفاظ قرآن همان قرآنی را می‌خوانند که سایر فرق می‌خوانند.»

□ اثر توجه به معانی در حفظ

استاد ضمن اشاره به اینکه توجه به معانی را در حفظ قرآن مؤثر می‌دانند از طرفی با توجه به تسریع و تسهیل حفظ در این حالت و احتمال فراموشی سریع محفوظات تکرار را راه حل فراموش نشدن آنها می‌دانند.

## حافظ کل قرآن، مسلط به زبانهای عربی، انگلیسی و آلمانی



□ به عنوان یک طلبه ممتاز چه عواملی را در موفقیت خود دخیل می‌دانید؟

■ اگر بخواهید

درجه بندی کنیم اولین اثرگذاری را جزو و دوستان دارند. مخصوصاً در طلبه‌های سطح که در اوایل جوانی شان هستند تأثیرپذیری از دوستان و جوّ خیلی بیشتر است. شاید حتی از پدر و مادر و اساتید نیز بیشتر باشد. البته اساتید هم مؤثر هستند. استادان خوب و موفق مطمئناً مؤثرند. جوّ نیز مؤثر است. جوّی که شما در آن قرار می‌گیرید بیشتر در چه زمینه‌هایی است. مثلاً جوّ و محیط درس و تحقیقی است یا نه؟ □ آیا برنامه‌ای برای مطالعه دارید؟ در روز چند ساعت مطالعه می‌کنید؟

اگر وقت کنم سعی می‌کنم پیش مطالعه داشته باشم و به کتابهای جانبی مراجعه کنم. و یا زمینه‌هایی را که اساتید مراجعه می‌دهند مطالعه کنم. اگر بخواهیم جمع بندی کنیم شاید درس و بحث و مطالعه غیر درسی و درسی حدود ۶ یا ۷ ساعت در روز باشد.

□ آیا فعالیت‌های غیر درسی هم دارید؟ (مثل فعالیتهای سیاسی فرهنگی)

■ مطالعاتی در زمینه‌های تاریخ، تفسیر، ادبیات فارسی و فلسفه دارم. به زبانهای عربی و انگلیسی و تقریباً آلمانی مسلط هستم. البته آلمانی را نمی‌توانم زیاد تمرین کنم چون کسی نیست که با او صحبت کنم.

همچنین مطالعه تاریخ سیاسی معاصر و مطالعه مطبوعات در برنامه‌ام هست. در زمینه فعالیتهای ورزشی هم آخر هفته با دوستان فوتبال. بسکتبال و بعضی‌ها تنیس بازی می‌کنم.

□ ظاهراً حافظ کل قرآن هم هستید؟ ■ به □ به جز قرآن چطور؟

■ کمی هم نهج البلاغه حفظ کرده‌ام ولی به دلیل کمبود وقت بیشتر قرآن را مرور می‌کنم.

□ حفظ قرآن چقدر طول کشید؟

■ حدوداً سه سال طول کشید. دوران تحصلات راهنمایی. قرآن را حفظ کردم. وقتی وارد حوزه شدم تمام شده بود.

□ یادگیری زبانهای خارجی چقدر طول کشید؟

■ عربی دو سال و نیم. انگلیسی یک سال و آلمانی یک سال نیم.

□ چه برنامه‌ای برای آینده خود دارید؟

■ اگر مانعی پیش نیاید اصل بر این است که درس باشد. یعنی تا هر جا که جا دارد از درس خسته نشویم. حتی اگر خدا توفیق دهد و به درجات بالا برسیم باز به درس. اختیاج هست. آقا در کتاب حوزه و روحانیت می‌فرمایند که درس به هیچ وجه نباید قطع شود. حتی اگر طرف مجتهد شود باید درس را ادامه دهد. بنده شخصاً به فلسفه و مباحث تفسیر علاقه دارم.

□ این علاقه شخصی خودتان است؟

■ فقط علاقه شخصی نیست. استعداد و نیاز جامعه هم مؤثر است به نظر من الان ما به فلسفه واقعاً نیاز مندیم. آقا در فیضیه چند بار نسبت به فلسفه تأکید داشتند. مخصوصاً فلسفه اسلام. کسانی که

بخوانند در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کار کنند باید در زمینه فلسفه کار کنند. تفسیر نیز نیاز اصلی جامعه ماست. بر ای بحث با سایر مذاهب که نمی‌توان از احادیث استفاده کرد باید از تفسیر بیزدجست.

□ توصیه شما به طلاب حوزه علمیه چیست؟

اولاً مسأله‌ای که برای خودم پیش آمد مسأله اشکال روند درسی حوزه است. دوستانی که کار برایشان سخت می‌شود و گاهی نیز از روی علاقه و دلسوزی اشکال می‌گیرند که فلان کتاب، اشکال دارد و این نگارش درست نیست و یا آقا در فلان صحبت چنین فرمودند و بدین ترتیب ما فقط در وادی اشکال کردن و انتقاد می‌افتیم و از وظیفه خودمان غافل می‌مانیم. در صورتی که اگر هر کس وظیفه خود را انجام دهد فکر می‌کنم همه چیز درست می‌شود به شرطی که ما خودمان را ببینیم سعی کنیم خودمان را با شرایط وفق دهیم و اگر توانستیم اصلاح می‌کنیم و اگر نه، همین‌ها را عنقی بخوانیم.

ثانیاً. یک نگاه برون حوزوی هم به حوزه داشته باشیم، به کار خودمان و زندگی‌مان، و فقط در قالب الفاظ و کتب و... نباشیم. همین مسأله فقهی یا اصولی را که می‌خوانیم با هم هماهنگ کنیم یا جنبه‌های صرف و نحو و بلاغت را که می‌خوانیم بدانیم جایگاه واقعی آنها و ثمره عملی آنها برای آینده چیست و در چه جنبه‌ای می‌تواند مفید باشد.



به بهانه ششمین سالروز اعلام مراجع سبعة از سوی جامعه مدرسین

## جایگاه عظیم مرجعیت را پاس داریم

روز ۱۱ آذر ۱۳۷۳ و پس از چند روز از رحلت یگانه دوران و فقیه با ایمان مرحوم حضرت آیه الله العظمی اراکی (ره) جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه قم طی بیانیه مهمی هفت نفر از علمای بزرگوار و استوانه‌های حوزه علمیه تشیع را به عنوان مراجع جازز التقليد به مردم معرفی کرد. اقدام جامعه مدرسین و به تبع آن بیانیه جامعه روحانیت مبارز تهران در اعلام اسامی مراجع عظام که سبب پر شدن خلاء وجودی حضرت آیه الله اراکی (ره) گردید و از سوی دیگر به فرموده مقام معظم رهبری توطئه خطرناک دشمن زبون و مکار را در نقشه شوم مرجع سازی خنثی کرد. عوامل مزدور بیگانه و استعمار که همواره در طول تاریخ شکستهای متعددی از نهاد عظیم مرجعیت خورده بودند دریافته‌اند که باید برای ریشه کن کردن اسلام این نهاد مقدس را وابسته و یا حداقل ناکارآمد کرد. فلذا سالهاست که در صدد مرجع سازی و معرفی افراد ساده لوح، ناآگاه و یا خائن و مزدور به عنوان مرجع تقلید می‌باشد. اما به حمد الهی اقدام به هنگام علمای اعلام قم و تهران در معرفی مراجع عظام بار دیگر این توطئه را خنثی کرد. توطئه‌ای که اکنون نیز با ابعاد موزیانه و خطرناکتری توسط عوامل و پایگاههای داخلی دشمن پیگیری می‌شود. شاگردان مهندس بازرگان (همو که استغنی از نظام روحانیت را شرط روشنفکری پنی می‌شمرد) و مزدوران ملّی گرای دنباله روی راه مصدق (همو که با پایمال کردن حرمت علم و فقاقت،

مبارزات ملت را به باد داد) اکنون در لباس دین و علم، بسیج شده‌اند تا حوزه، علم و مرجعیت را به کلی از صحنه سیاسی و اداره امور کشور کنار بزنند. متأسفانه گروهی از مسئولین و دست اندر کاران اجرائی کشور نیز چند سالی است که خواسته و ناخواسته به این وادی شوم گرفتار شده‌اند و همواره در صدد تحقیر و بی‌اعتنایی به نهاد عظیم مرجعیت و حوزه بوده‌اند. اگر در زمان گذشته نه چندان دور با یک سبب و فریاد حوزه و مرجعیت خواب آشفته مزدوران دست اندر کار و یا مسئولین خاطی پریشان شد، و از ادامه فساد جلوگیری می‌شد، اما امروز کسانی بر مصدر امور تکیه زده‌اند که نه تنها به هشدارها و فریادهای چند ساله مراجع عظام و علما واقعی نمی‌نیند، بلکه عملاً و با کمال وقاحت و بی‌شرمی برای مراجع و حوزه تعیین تکلیف کرده و برای این بزرگان رهنمود صادر می‌کنند. همه مادر تحصن سال گذشته حوزویان از زبان فقیه عالیقدر حضرت آیت الله مشکینی (حفظه اله تعالی) شنیدیم که «حتی در زمان پهلوی ملعون و طاغوت که هیچ علاقه‌ای به روحانیت نداشتند و دشمن روحانیت بودند اما هیچ وقت به نهاد روحانیت توهین نمی‌کرد اگر هم به افراد یک چیز می‌گفت می‌گفت که روحانی نما... اما گاهی می‌بینیم که در این عصر حکومت اسلامی علناً و با کمال جسارت همه روحانیت را به زیر سؤال می‌برند» به راستی آیا قابل تحمل است که یک مقام مسؤول حکومت اسلامی علناً برای مراجع

و علما تعیین تکلیف کرده و آنها را از ادای وظیفه شرعی شان منع کند. نکته دیگری که لازم است در خصوص جایگاه مقدس مرجعیت متذکر شویم مسؤولیت خطیر حضراتی است که به این مقام والا و عظیم الشان نائل شده‌اند. بی تردید زعامت دینی شیعیان علاوه بر حرعتی که باید توسط اولیای امور و عموم مردم به آن ادا شوند متضمن مسؤولیتبای حساس و سنگینی است که در طول تاریخ پرافتخار شیعه تنها بزرگانی توانسته‌اند از عهده این مقام عظیم برآیند که آگاه به اوضاع زمانه بوده و دلشان برای اسلام و مسلمین سوخته و برای اسلام همواره یابوری فداکار بوده‌اند. اگر عاهدات فقهای عظامی چون شهید اول و ثانی (ره)، سید محمد مجاهد، مرحوم نراقی، آخوند خراسانی، آقا سید محمد تقی خوانساری، سید مصطفی و فرزند بزرگوارش سید ابوالقاسم کاشانی، شیخ فضل الله نوری، مدرس، شیخ محمد خیابانی و امام خمینی (رحمة اله علیهم اجمعین) و صدها فقیه و عالم مجاهد نبود که حاضر شدند برای دفاع از کیان شیعه و اسلام در اقصی نقاط بلاد اسلامی حتی از جان و مال و آبروی خود بگذرند، بی تردید امروز اسلام و شیعه‌ای نبود که چراغ هدایت عالمیان باشد. به فرموده حضرت امام (ره): «علمای اسلام با همه زحمتهایی که می‌کشند، با همه رنجهایی که می‌برند، لکن مسؤولیتشان زیادتز از این معانی است. خدای تبارک و تعالی به آنها عزت داده، به آنها عظمت داده است، دیگران را

تابع آنها قرار داده است، اینها همه مسؤولیت می‌آورد»

تردیدی نیست که امروز و در شرایطی که جهان کفر و شرک تمام نیروی خود را برای انهدام شیعه و اسلام و معنویت به کار گرفته، بیشتر از گذشته، این شجره طیبه به فقها و علمایی نیاز دارد که به فرموده مبارک امام حسن عسکری علیه السلام «صائنا لنفسه حافظا لدینه» باشند. امروز ما به شهید اول‌ها و ثانی‌ها، شیخ فضل‌الله‌ها، آخوند خراسانی‌ها، خیابانی‌ها، مدرس‌ها، کاشانی‌ها و خمینی‌ها نیاز داریم که از هیچ گونه زخم زبان و خطر، نهراسند، شجاع باشند و با تمام توان خود را سپر حملات دشمن قرار دهند و از بالای دار رفتن و گلوله و زهر دشمن و تیغ جلادان نهراسند و حتماً هم علمای بزرگوار ما اینگونه هستند و خواهند بود. ان شاء الله.

بیانیه مهم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درباره مرجعیت  
بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع مرجعیت از اعظم مسائلی است که نمی‌تواند از مصالح مسلمین و استقلال و عظمت آنان جدا و منفک باشد و یا بدون توجه به دسیسه‌ها و نوطه‌های کفر و استکبار بر ضد اسلام مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد. لذا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسات متعدد این موضوع را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد تا اینکه در جلسه مورخ جمعه ۷۳/۹/۱۱ به این نتیجه رسید که حضرات آیات آقایانی که ذیلاً نامشان یاد می‌شود واجد شرایط مرجعیت می‌باشند و تقلید از هر کدام آنان جایز است. و الله العالم.

۱- حضرت آیه الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، ۲- حضرت آیه الله حاج شیخ

محمد تقی بهجت، ۳- حضرت آیه الله حاج سید علی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، ۴- حضرت آیه الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی، ۵- حضرت آیه الله حاج شیخ جواد تبریزی، ۶- حضرت آیه الله حاج سید موسی شبیری زنجانی، ۷- حضرت

آیه الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی دامت برکاتهم.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۷۳/۹/۱۱

## شیواترین آوا

کاوشی در عرصه نهج البلاغه / ۳

نامه حضرت امیر (ع) به مالک اشتر نخعی

غلامعباس رفیع

الگو بودن کارگزاران جامعه اسلامی

از جمله مسائلی که یک خدمتگذار جامعه اسلامی باید به آن توجه نماید آن است، که نگاه مردم به او نگاه به یک متولی اجرای احکام دینی در جامعه اسلامی است لذا انتظاری که از او می‌رود آنست که یک فرد متعادل از منظر دین باشد و این فکر موجب می‌شود که ناخود آگاه، در برخی از مسائل از او الگوبرگیری شود در اینجا آنچه مسلم است این است که مسؤولیت فرد فوآتر از اجرای ظاهری قوانین در جامعه اسلامی خواهد بود لذاست که حضرت در این فراز اشاره‌ای می‌کند به اینکه:

فرد باید نفس خویش را با ترک شهوات بشکند و عنانش را هنگام سرکشیها ببیچد (ان یکسر نفسه عند الشهوات و یزعمها عند الجمحات)

چرا که اگر فرد بخواهد خویش را بدون مواظبت و مراقبت رها کند حاصل آن افزون شدن زشتیها در وجود اوست (فان النفس امارة بالسوء الا ما رحم الله) که نتیجه آن، هم به ضرر او و هم به ضرر جامعه اسلامی خواهد بود.

حکومت اسلامی دیدگاه مردم

یکی از روشهای قضاوت در مورد عملکردهای حکومت اسلامی نگاه کردن از جایگاه مردم به حکومت است.

آنچه یک کارگزار جامعه اسلامی باید در نظر داشته باشد اهمیت دادن به نظرات مردم در مورد سیستم حاکم است. کارگزار جامعه اسلامی می‌تواند با لحاظ این نظرات و بررسی و شناخت ریشه نارضایتیها تلاش در رفع مشکلات مردم نماید.

کارگزار جامعه اسلامی باید بداند مردم جامعه اسلامی با داشتن تجربه حکومتهای ظلم و عدل خدمت را از خیانت تشخیص داده و دلسوزها را از منفعت طلبان تمییز می‌دهند (قد جرت علیها دول قبلک من عدل و جور)

یک کارگزار باید دقت داشته باشد که کار او پیوسته مورد اصابت تیغ نقد مردم است (ان الناس ینظرون من امورک) همان گونه که خودش اگر از قشر عادی مردم بود کارهای حکومت را نقد کرده برخی را تأیید و برخی را رد می‌نمود (فی مثل ما کنت تنظر فیه من امور الولاة قبلک) مردم نیز مانند خود او کارهای خوب و عدالت خواهانه حکومتهای را پذیرفته و بدیها را مورد اعتراض قرار می‌دهند (و یقولون فیک ما کنت نقول فیهم) لذاست که یکی از مشخصات حکومت عدل در جامعه اسلامی رضایت مردم از آن حکومت است (انما یستدل علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عباده)

در اینجا وقتی کارگزار جامعه اسلامی می‌بیند عملش مورد نقد است و اگر خطایی از او سرزند آنچه به عنوان ظلم و ستم نوشته می‌شود به حساب حکومت اسلامی است باید کاملاً مراقب رفتار خویش باشد تا جز عمل صالح از او صادر نشود. (فلیکن احب الذخائر الیک ذخیره العمل الصالح) ادامه دارد ان شاء الله.....

# درس اخلاق عملی از زبان مهدی هاشمی در ساعات قبل از اعدام

مهدی هاشمی برادر داماد آقای منتظری که عامل اصلی معزول شدن آقای منتظری از مقام نیابت و جانشینی امام بود در نامه‌ای به دوستان خود در زندان، عدم تهذیب نفس را اساسی بدبختی و غوطه‌ور شدن در دریای غفلت برمی‌شمارد و تصویر زندگی خود را آئینه عبرت آنان و همه جوانانی می‌سازد که در صددند بی‌تهذیب نفس قدم به صحنه سیاست و اجتماع گذارند.

سابق خود در ارگانهای مختلف و حوزه علمیه و نهضت‌ها. جناب می‌خواهم بر روی گذشته‌های خود تجدید نظر کرده و برای خدا امواج طغیانگر نفس را که زیر لوای مقدس فلان و بهمان بسنظرتان یک جلوه مقدس و زیبا دارد متوقف سازید.

۲- مسأله دیگر مظالم است: من به همان شیوه و دلایلی که گفتم مرتکب مظالمی شده‌ام من به بعضی کسانی که به دستور من به قتل رسیدند ظلم کرده‌ام من در حق انبوه پیروان و همکاران خویش قبل از انقلاب ظلم کردم. من به ارکان مقدس و انقلابی سپاه پاسداران و فرماندهی آن ستم کردم. من در حق فقیه عالیقدر حفظه‌اله و بیت ایشان ظلم کردم من نسبت به حوزه علمیه قم و طلاب عزیزیکه با یک دنیا شور و اشتیاق به من پناه می‌آوردند ظلم کردم.

تلاش کنید تا قبل از تزکیه اخلاق و اطمینان از کنترل و مراقبت تمایلات نفسانی به فعالیت سیاسی و اجتماعی نپردازید.

باز ماندم بلکه بسیاری از اعمال و رفتارم که با انگیزه خدا شروع کرده بودم مخوش و آلوده شد.

تلاش کنید تا قبل از تزکیه اخلاق و اطمینان از کنترل و مراقبت تمایلات نفسانی به فعالیت سیاسی - اجتماعی نپردازید که خفایای نفس و زوایای درون بشر به اندازه‌ای پنهان و ظریف است که اگر بدون تعلیم و تربیت و تزکیه و تهذیب وارد عمل شود همان نقطه‌های بسیار ناچیز نفسانی تحت پوشش پیروزیها و موفقیت‌های اجتماعی چنان مکتوم می‌ماند که بزودی قابل شناخت نبوده بلکه بالعکس در اثر تسویلات شیطانی به نقاط مثبت غرور آفرین تجلی خواهد یافت و دیگر کنترل آن از دست انسان بیرون می‌رود. متأسفانه غرور نفسانی مرا از عرضه کردن خویش بر اساتید اخلاق و شخصیت‌های مورد قبول خودم بازداشت و رسوبات چنان رشد کرد که زیر پوشش همان فعالیت‌های به ظاهر اسلامی و ابرام گناهان بزرگتر و اشتباهات سنگین‌تری انداخت و بلغ ما بلغ

اکنون با یک دنیا تأسف و درد از غرورها تعصب‌های غلط و غفلت‌های گذشته‌ام پشیمان و نام‌هستم ولی دیر شده است از شما خواهش می‌کنم که تا دیر نشده بخود پردازید بخصوص از دوستان و همکاران

بسمه تعالی و الیه اتوب و علیه اتوکل خطاب به همه دوستان و برادران:

اکنون که در آستانه مرگ محترم و مقدر الهی قرار گرفته‌ام وظیفه خود می‌دانم مواردی را به شما عزیزان بخصوص برادرانم و همه اقوام و خویشان تذکر دهم قطعاً سخنان من در نهایت یک دوره زندگی که بیان نقاط ضعف و لغزشهای ملموس و عینی گذشته و هیچ انگیزه سیاسی در بیان آن وجود ندارد به واقعیت نزدیکتر از تحلیل ما و حدس و گمانهای این و آن است و بنابراین از زبان کسی که راهی را طی کرده و اکنون نتایج ملموس آن را شاهد است خوب است دوستان مطالبی را بیاموزند.

۱- فعالیت‌های مثبت و انقلابی و اسلامی هر چند فراوان و گسترده باشد چنانچه به تهذیب نفس و تزکیه اخلاق مقرون نباشد پیش‌زی ارزش نخواهد داشت. نمونه عینی مرا هرگز فراموش نکنید من از نظر فعالیت‌های سیاسی - مبارزاتی عمری را گذراندم و تصور نمی‌کنم کسی در میان اقربان خود سراغ داشته باشم که شب و روز در پی فعالیت و تلاش از قبل از بلوغ تا ۴۵ سالگی باشد ولی بدبختانه افراط در سیاست و سیاستگری مرا از تهذیب نفس بازداشت و در جو غرور به فعالیت‌های چشمگیرم نه تنها از رشد و کمال نفسانی

# کشکول عرصه

تهیه و تنظیم: محمد رحیمی یور

- در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده: کسی که از بیم بیماری از طعام پرهیز می کند چگونه است که از بیم آتش از گناه پرهیز نمی کند. (۲۰۲)
- عارفی گفت: تو حال خویش به روز قیامت ندانی، از این روی آشنایی با مردمان را بدینا کمتر کن تا اگر آن روز بدنامی در پیش باشد، آشنایانت قلیل باشند.
- اگر سؤال شود که چند کلمه دو حرفی چه با معنی و چه مهمل از ترکیب حروف الفبا بدون تکرار حرف در کلمه بدست می آید می توان ۲۸ را
- در ۲۷ ضرب ساخت. اما اگر سؤال شود چند کلمه سه حرفی بدون تکرار حرف در کلمه بدست می آید می توان ۲۸ را در ۲۷ ضرب کرد و
- سپس حاصل را در ۲۶ ضرب ساخت. حاصل ۱۹۶۵۶ است. در مورد کلمات چهار حرفی همین عدد را در ۲۵ بایستی ضرب کرد و به همین
- قیاس در کلمات پنج حرفی و بیشتر.
- بزرگی گفت: سرا با دنیا چکار که امر بمانم، با من نماند و اگر بماند من نمانم.
- کسی که بنده حق است، آزاده است.
- خشمناکی به خواری بوزش نیاززد.
- بسا عطا که خطا بود، و بسا عنایت که جنایت محسوب شود.
- اگر آن کس که نمی داند، ساکت ماند، اختلاف به پایان می رسد.
- اگر با دیوانه ای تمام درگیری شوی، نیکوتر از آن است که با نیمه دیوانه ای.
- در خیر اسراف نیست چنانکه در اسراف خیر.
- پرسید یکی زمن که معشوق تو کیست؟ گفتم که فلانی است مقصود تو کیست؟
- بنشست و به های های بر من بگریست؟ کز دست چنین کسی تو چون خواهی زیست؟
- هرگاه مرگ و هلاک هم نشین ترا دریافت، هان بدان که سراغ تو نیز خواهد آمد.
- ز وصل شادانیم و ز حفا ملال ندارم چنان ربوده ای عشقم که هیچ حال ندارم.
- عال را از آن رو مال گفته اند که آدمی از طاعت خداوندی سوی آن میل کند.
- زمانی که یعقوب و یوسف - بر پیامبر ما و ایشان درود بادا - یکدیگر را دیدند، یعقوب گفت: پسرم مرا از خود خبر ده! یوسف گفت: ای پدر!
- از من میرس که برادران با من چه کردند! از آن پرس که خداوند با من کرد.
- زاهدی گفت: آخرت را سرمایه خویش نه، هر چه از دنیا بدستت رسد، سود تست.

## «عرصه» مهیای حضور شماست.

- ☐ مقالات و نظرات خود را پیرامون حوزه، وضعیت فرهنگی کشور
- و... برای ما ارسال کنید.
- ☐ مقالات برگزیده، در نشریه منتشر خواهند شد.
- ☐ در مدارس، نماینده فعال می پذیریم.

## «عرصه»

- نشریه فرهنگی سیاسی تحلیلی
- مدارس حوزه علمیه قم
- نشانی: قم، چهارراه غفاری، کوچه نور بخش پرستاران، اصحاب خمسه
- تلفن: ۲۹۵۷۹